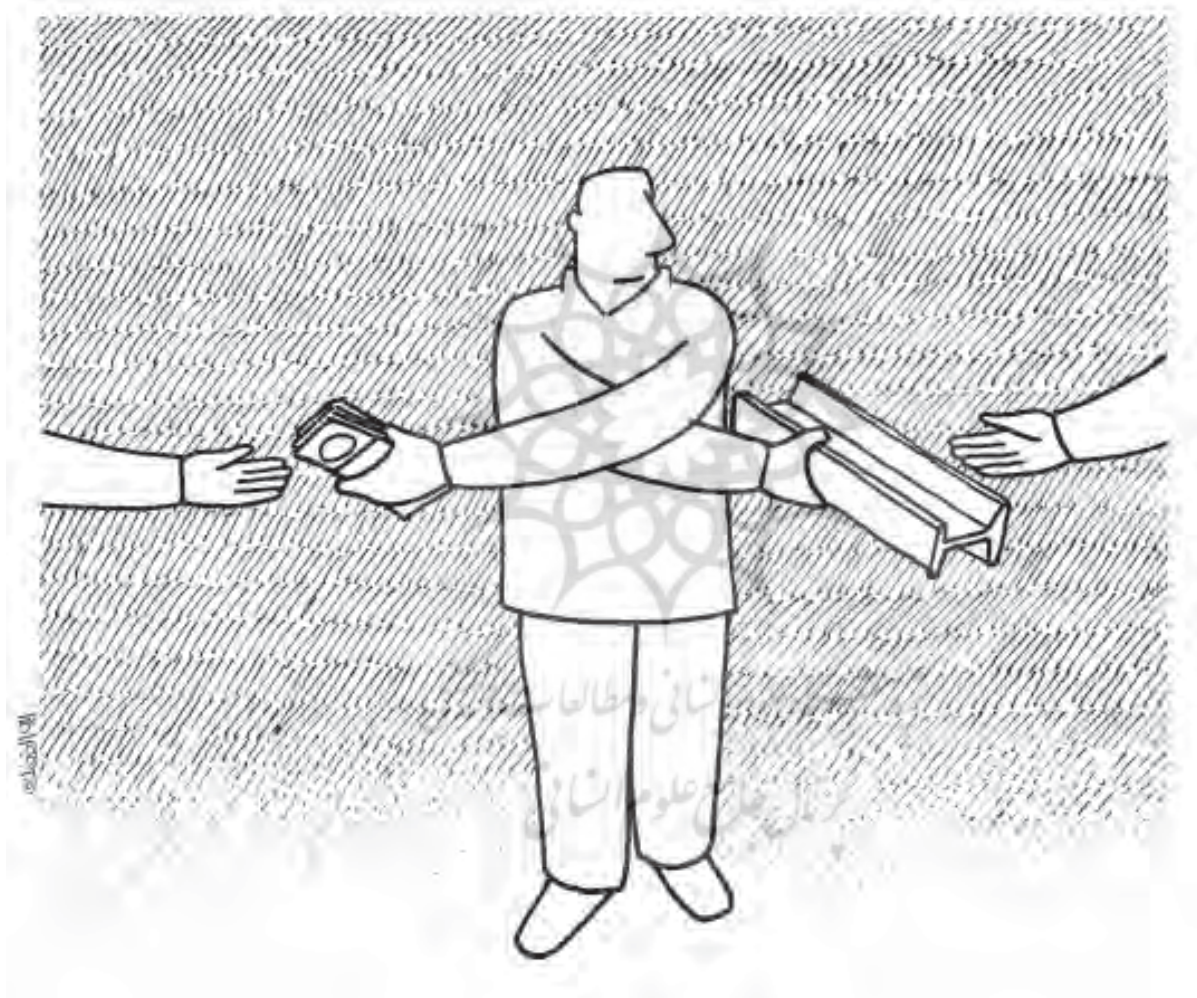


بیع تورق؛ یکی از ابزارهای مؤثر شرعی در تجهیز و تأمین منابع مالی در عملیات بانکداری اسلامی مالزی

محمد رضا پیشرو
محمد حسین فتحعلیزاده



مقدمه :

اختلافاتی است.^(۱) به طور مثال در ترکیه لائیک (غیرمذهبی) بانک های اسلامی تحت نظارت خزانه داری دولتی فعالیت می کنند و عملیات بانکی آنها براساس یکی از الحاقات بانکداری با عنوان نهادهای ویژه هدایت می شود. به طوری که عبارت اسلامی در متن قانون نیامده است^(۲) و این درحالی است که قانون بانکداری اسلامی در سال ۱۹۸۳ در کشور

ناظران و کارشناسان بانکداری معتقدند که بانکداری اسلامی، در تمام کشورهای جهان شبیه به یکدیگر هستند، درحالی که باتوجه به وجود مذاهب مختلف اسلامی، تفاوت های ناظر بر نحوه اعطای مجوز و اعمال نظارت بر عملیات بانکی، طبیعی است که بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف اسلامی به طور مطلق یکسان نبوده و دارای

مالزی تصویب و از همین سال بانک اسلامی مالزی با مسئولیت محدود (BANK ISLAMMALAYSIABERHA) تأسیس شده است^(۳) از طرفی صاحبانظران در امور بانکی معتقدند: بانکداری اسلامی در کشور مالزی موضعی مبتنی بر واقعیت بوده، درحالی که در سایر کشورهای اسلامی از قبیل عربستان سعودی، پاکستان، سودان و ... براساس واقعیت های بانکداری اسلامی نبوده، بلکه صرفاً واجد جنبه سیاسی است.^(۴) از این رو نگارندگان بر آن شدند تا برای آگاهی از صحت و سقم این نظر که بانکداری اسلامی در مالزی برعکس سایر ممالک اسلامی مبتنی بر واقعیت های بانکی و اسلامی است؛ یا خیر؛ بیع تورق را که یکی از ابزارهای مؤثر در تجهیز منابع (سپرده گیری) و تأمین مالی (تخصیص شرعی منابع) را در بر می گیرد، مورد بررسی و تحقیق قرار دهند.

تعریف بیع تورق

«ورق، سکه نقره است. تورق یعنی تحویل سکه های نقره نیازمند به پول. فردی مالی را نسیه می خرید و به صورت نقد به شخص ثالثی می فروخت و ثمن را صرف نیازهای خود می کرد؛ این است مفهوم بیع تورق. اگر آن مال را به خود بایع می فروخت بیع عینه بود.»^(۵)

بنابراین عقد بیع مبتنی بر خرید نسیه را تورق می گویند، به نحوی که خریدار بعد از خرید، کالای مورد خریداری را به شخص ثالثی به طور نقد و به قیمتی کمتر از قیمت نسیه می فروشد تا از این طریق نقدینگی لازم را به دست آورد.^(۶) به این معامله تورق گفته می شود. زیرا که خریدار با وجود خرید مبیع (کالا) به صورت نسیه قصد کاربری و تحصیل نفع از این معامله را ندارد. به عبارتی وی از این طریق قادر می شود به نقدینگی دست یابد (ورقه مالیه).

شایان ذکر است، با وجود این که مفهوم تورق، به تازگی ارائه شده است، لیکن از دیرباز به طور ضمنی در مباحث فقهی اهل سنت مطرح بوده است. از طرفی به منظور جذب نقدینگی (سپرده گیری در بانک به طور مثال) مفهوم تورق به تازگی مطرح و مورد بررسی تکمیلی قرار گرفته است. به طوری که از بیع تورق برای تأمین مالی (تخصیص منابع) نیز کمک گرفته می شود.

مؤسسه مالی اسلامی مالزی، درخصوص جذب سپرده و تأمین مالی (تخصیص بهینه منابع) راهکار شرعی را براساس تورق یا مباحثه ارائه داده است که فرآیند به کارگیری بیع تورق در تجهیز منابع و سپرده گیری و تأمین مالی به شرح زیر است:

۱- فرآیند به کارگیری بیع تورق برای تجهیز منابع (سپرده گیری) به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر تجهیز مالی در

بانکداری اسلامی مالزی:

۱-۱- اعطای نمایندگی به بانک توسط سپرده گذار برای خرید کالای فلزی:

در این مرحله که نخستین مرحله تورق، برای جذب منابع از سپرده گذار است؛ سپرده گذار ضمن اعطای وکالت به بانک، از بانک می خواهد به نمایندگی از او کالایی فلزی را از تاجری که این قبیل معاملات را انجام می دهد، به طور نقدی خریداری کند. براین اساس، بانک به نام مشتری به صورت نقدی مبادرت به خرید کالا از تاجر فلز (به طور مثال خریداری از بازار بورس فلز مورد بحث) می کند.

تحلیل حقوقی:

از نقطه نظر حقوقی آنچه که در این مرحله به وقوع می پیوندد، انعقاد عقد وکالت است که طی آن بانک وکیل، و سپرده گذار موکل و موضوع وکالت عبارت است از خرید کالای فلزی به صورت نقدی از تاجر مربوطه در بازار فلزات توسط بانک.

۱-۲- خریداری کالای فلزی موصوف از سپرده گذار (فروشنده) به صورت نسیه توسط بانک (به عنوان اصیل):

در این مرحله پس از آن که بانک کالای فلزی خریداری شده را به سپرده گذار (خریدار نقدی کالای فلزی) منتقل می کند، این کالا را اصالتاً به عنوان خرید از سپرده گذار (مالک کالای فلزی خریداری شده) خریداری می کند، لیکن این خریداری به صورت نقد نبوده، بلکه به صورت نسیه است. به عبارتی، بانک به میزان ثمن معامله بدهکار سپرده گذار می شود و از آنجاکه بیع نسیه بوده؛ بنابراین تعهد بانک به سپرده گذار (فروشنده) معادل قیمت خرید نقدی کالای فلزی به علاوه نرخ سود خواهد بود.

تحلیل حقوقی مرحله مذکور:

بانک که در مرحله قبل صرفاً وکیل سپرده گذار بوده، اکنون با خرید کالای فلزی از سپرده گذار (به صورت نسیه) اصالتاً طرف معامله قرار گرفته و با خرید کالای موصوف مالک کالا می شود و از طرفی، چون قرار است ثمن کالا را به صورت نسیه (درآینده به صورت وعده دار) بپردازد، بدیهی است بانک تا این مرحله از طریق بیع تورق، موجبات افزایش دارایی خود را فراهم کرده است و چنانچه موفق شود این کالا یا دارایی خریداری شده را که به صورت نسیه به دست آورده است، به شخص دیگری به صورت نقد بفروشد، طبعاً از طریق چنین عمل حقوقی (بیع تورق) موجبات سپرده گیری را فراهم کرده است.

۱-۳- فروش کالای خریداری شده در بازار بورس فلزات توسط بانک به تاجر ثالث (غیر از تاجر اولیه):

فلزی بوده که به صورت نسیه به بانک واگذار کرده است. نه بهره پولی که از طریق او به بانک انتقال یافته است. بنابراین برآیند تعامل مذکور به شرح زیر بررسی می شود:

الف - بانک مسئول پرداخت ثمن معامله به صورت نسیه (قیمت نقدی کالا + نرخ منفعت) به فروشنده (سپرده گذار) به صورت وعده دار می شود.

ب - بهای کالای خریداری شده به صورت نقد از تاجر اول با بهای نقدی کالای مذکور به تاجر دوم مساوی است.

ج - در نتیجه چنین فرآیندی، نقدینگی وارد بانک می شود. نمودار فرآیند شکل گیری تجهیز مالی (تجهیز منابع یا سپرده گیری)

همان طوری که گفتیم، بانک در مرحله حاضر کالایی را که از سپرده گذار به صورت نسیه خریداری کرده بود؛ در بازار کالاهای فلزی به تاجری دیگر غیر از آن تاجری که قبلاً کالا را از او برای سپرده گذاری (فروشنده) به وکالت خریده بود، به فروش می رساند.

نتیجه گیری:

با توجه به فرآیند پیشگفت، به جای آن که بانک از سپرده گذار سپرده نقدی دریافت کند و در قبال این سپرده گیری به او بهره پرداخت کند؛ از طریق بیع تورق موجبات انتقال وجوه نقد سپرده گذار را به بانک فراهم می کند. آنچه که در نتیجه چنین تعاملی عاید سپرده گذار (فروشنده کالای فلزی به صورت نسیه) می شود، سود فروش کالای

(نمودار فرآیند شکل گیری تجهیز مالی (تجهیز منابع یا سپرده گیری))



ساز و کار اندازه گیری قیمت تمام شده پول تجهیز شده (نقدینگی رسوب شده در بانک) براساس بیع تورق

سود دوره موجدل مربوط به بیع نسیه مورد بحث + قیمت نقدی کالای فلزی < نقدینگی رسوب شده در بانک

۲- مکانیزم به کارگیری بیع تورق ، برای تأمین مالی (تخصیص منابع به مشتریان) به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر تأمین مالی شرعی در سیستم بانکداری اسلامی مالزی: طبیعی است تأمین مالی (تخصیص منابع به متقاضیان) یکی از اساسی ترین وظایف بانک برای کسب سود است. در بانکداری مالزی از طریق به کارگیری بیع تورق امکان تأمین منابع مالی متقاضیان، فراهم می شود. به عبارتی، از این طریق وصول بهره که امری مذموم در بانکداری اسلامی است، منسوخ شده و به جای آن سود بانکی که دارای توجیه شرعی است به حیثه وصول در می آید.^(۷) از این رو فرآیند تأمین مالی (تخصیص منابع) به شرح زیر است:

۱-۲ خریداری کالای فلزی به صورت نقد توسط بانک از تاجر کالای فلزی در بازار بورس فلزات :

در راستای تأمین مالی متقاضی نقدینگی، بانک به جای آنکه به وی وجه نقد تسلیم کند، ورقه مالیه ای که مبین خرید کالای فلزی به مقدار معین بوده، به صورت نقد از بازار بورس فلزات خریداری می کند. قصد بانک از این خرید، تأمین مالی متقاضی نقدینگی است که از این طریق به جای تزریق نقدینگی، به وی کالای خریداری شده نقدی را به صورت نسیه (وعده دار) به متقاضی تملیک خواهد کرد.

تحلیل حقوقی:

بانک در وضعیت فوق به دلیل حرمت ربا و حلیت بیع (احل الله البیع و حرم الربوا)^(۸) از طریق بیع تورق موجبات رفع نیاز مالی متقاضی منابع ربایی را فراهم می کند. به عبارتی قصد دارد تا با فروش نسیه این کالا به متقاضی ضمن تأمین مالی غیرمستقیم به او امکان وصول سود ناشی از بیع نسیه را به نفع بانک میسر کند.

۲-۲- فروش کالای فلزی خریداری شده به متقاضی تأمین مالی به صورت بیع نسیه توسط بانک :

همان طوری که پیش بینی شده بود، بانک در مرحله حاضر مبادرت به فروش نسیه کالای فلزی موصوف (کالایی که قبلاً به صورت نقد از تاجر خریداری شده است) به متقاضی تأمین مالی می کند.

تحلیل حقوقی:

همان طوری که پیش بینی شده بود، بانک به جای آنکه نقدینگی به مشتری تزریق کند، از طریق تملیک کالای فلزی به صورت نسیه^(۹) موجبات تأمین مالی متقاضی نقدینگی را فراهم می آورد، ضمن این که در نتیجه چنین فرآیندی از آنجایی که مبیع حال بوده و ثمن موجد است، به یقین بانک از طریق بیع مرابحه^(۱۰) (قیمت نقدی خرید کالا + سود شرعی) کالای فلزی را به متقاضی تأمین مالی، تملیک خواهد

عقد بیع مبتنی بر خرید نسیه را تورق می گویند، به نحوی که خریدار بعد از خرید، کالای مورد خریداری را به شخص ثالثی به طور نقد و به قیمتی کمتر از قیمت نسیه می فروشد تا از این طریق نقدینگی لازم را به دست آورد.

کرد. همانطور که در بند آتی خواهیم دید تحصیل سود به نفع بانک حاصل چنین تعاملی است.

۲-۳- اعطای نمایندگی به بانک از طریق متقاضی تأمین مالی به منظور فروش کالای موصوف به صورت نقد در بازار بورس فلزات: بانک از طریق متقاضی تأمین مالی (کسی که به جای تأمین نقدینگی، کالای فلزی از طریق بانک به او تملیک شده است) وکیل می شود تا کالای مورد بحث را در بازار بورس به صورت نقد بفروشد و وجوه حاصله را به حساب متقاضی تأمین مالی کارسازی کند.

تحلیل حقوقی:

بانک در اقدام اخیر براساس عقد وکالت به نیابت از متقاضی تأمین مالی، کالای فلزی را که قبلاً خود به صورت نسیه (که ثمن آن به مراتب بیشتر از ثمن نقد است) به او تملیک کرده است؛ به صورت نقد (ثمنی که به مراتب از ثمن نسیه پایین تر است) به شخص ثالثی (غیر از تاجر اولیه که بانک کالا را از او به صورت نقد برای تأمین مالی متقاضی خریداری کرده بود) واگذار می کند.

نتیجه گیری:

در نتیجه چنین تعاملی متقاضی تأمین مالی، نقدینگی لازم را به دست می آورد و بانک بدون آنکه بهره - که امری مذموم است - دریافت دارد، مبادرت به تحصیل سود که امری ستوده است، می کند. به عبارتی، نتایج تعامل فوق عبارت است از:

الف - متقاضی تأمین مالی، متعهد به پرداخت ثمن بیع نسیه به بانک می شود و همانطوری که بیان شد از آنجایی که ثمن بیع نسیه به مراتب بیشتر از ثمن نقد است، در نتیجه چنین تعاملی موجبات تحصیل سود (نه بهره) به نفع بانک فراهم می کند.

ب - بهای کالای خریداری شده به صورت نقد از تاجر اول توسط بانک با بهای نقد کالای فلزی فروخته شده به تاجر دیگر مساوی

خواهد بود .
ج - در نتیجه چنین فرآیندی متقاضی تأمین مالی بدون آنکه از بانک وامی دریافت دارد و بهره که امری مذموم است، به بانک بپردازد، تأمین مالی می شود.
دانسته اند، لیکن محققان مذهب حنبلی بین این دو بیع تفکیک قائل شده اند. اگرچه از این لحاظ که به کارگیری بیع تورق و بیع عینه منجر به نقدینگی می شود مشابه هستند، اما دو فرق عمده بین این دو بیع وجود دارد .



الف - فرق نخست در بیع عینه شخص ثالثی به عنوان خریدار کالای موضوع بیع وجود ندارد در حالی که در بیع تورق شخص ثالثی به عنوان خریدار مطرح می شود.
ب - مورد معامله در بیع عینه به مالک اصلی منتقل می شود. (اولین فروشنده کالا)، در حالی که در بیع تورق مورد معامله به فروشنده اول انتقال نمی یابد، بلکه به شخص ثالثی انتقال می یابد .
اکثر پژوهشگران اسلامی قائل به مشروعیت بیع تورق و بیع عینه هستند، لیکن پژوهشگران مذهب حنبلی با توجه به دقت در ادبیات این دو اصطلاح قائل به تفکیک این دو بیع هستند .

نظر قائلین به رد بیع تورق

امام احمد حنبل تورق را حرام و ممنوع می داند. اما امام محمدبن

با توجه به آنچه که بیان شد لازم است به این پرسش پاسخ داده شود :
آیا تجهیز منابع (سپرده گیری) و تأمین مالی (تخصیص منابع) از طریق بیع تورق منطبق با شرع مقدس اسلام است یا خیر؟!
شورای مشورتی شرعی مالزی در پنجاه و یکمین جلسه برگزار شده در ۲۸ ژولای ۲۰۰۵ (۲۱/جمادی الاخر ۱۴۲۶) چنین نتیجه گیری کرد که : تجهیز و تخصیص منابع مبتنی بر مفهوم تورق که اکنون به عنوان مباحه کالایی شناخته می شود، مجاز است. (۱۱)
تحلیل شرعی اهل سنت (۱۲)
با وجود اینکه ادبیات فوق حکایت از شرعی بودن بیع تورق دارد، اکثر پژوهندگان بانکداری اسلامی ، بیع تورق را با بیع عینه یکسان

حسن شیبانی و حنفی ها تورق را مکروه دانسته اند. ابن تمیمه تورق را یک معامله استثنایی می‌داند، که فقط در شرایط ضرورت و هنگامی که شخصی واقعاً نیازمند پول نقد است، جایز می‌شمارد. استدلال و نظر آنهايي که ناظر به مردود بودن تورق هستند، به شرح زیر است:

۱- حدیث نبوی (ص) منقول از ابو داود:
علی (ع) فرمود: این عیسی از هشیم روایت کرد:

روزگاری تنگدستی بر مردم عارض می‌شود، که در آن مردم بر همدیگر سخت می‌گیرند، و دارا هم مال و مکنت خود را سخت در دست می‌گیرد، و بخل و خست به محرومان و محتاجان می‌ورزد (کاری که بر آن دستور داده نشده است). خدای بزرگ در قرآن کریم فرمود: بزرگواری و کرامت را بین خودتان فراموش نکنید افراد تنگ دست، در مقام فروش اموال خود بر می‌آیند، در حالی که پیامبر اکرم (ص) از بیع اضطراری و بیع غرری و بیع میوه قبل از عمل آمدن آن نهی فرموده است.

امام احمد بن حنبل، بیع عینه را به لحاظ ضرورت و نیازمندی به نقدینگی مجاز می‌داند. وی ضمن استناد به شرایطی که مردم محتاج شده اند و دارا هم مایل به دادن وام به آنها نیست، این نیازمندان به نقدینگی به انعقاد بیع عینه و بیع تورق مجاز هستند و با این ترتیب در قالب این معاملات، نقدینگی را از طریق انعقاد بیع نسبه با تحمل قیمت تمام شده بالاتر کسب می‌کنند.

نظر قائلین به پذیرش بیع تورق

اکثر پژوهندگان در مباحث اسلامی شامل حنبلی ها، که تورق را پذیرفته اند، آن را معامله مجاز می‌دانند و در اثبات نظر خود به استناد منابع و مأخذی به شرح زیر استدلال می‌کنند:

۱- در قرآن آمده است: «احل البیع و حرم الربوا...» (خدا بیع را حلال و ربا را حرام کرد...) به استناد تفاهم عمومی از این آیه قرآنی، تورق مجاز و مباح تلقی شده است. چون مصداقی از بیع بوده و در شرع حلال شده است. این معامله با قصد و نیت تهیه وجه نقد انجام می‌گیرد

. این معامله ممکن است به منظور فراهم کردن نقدینگی با علم و اطلاع تمام افراد ذی‌نفع یا بدون اطلاع طرف‌هایی که مبیع را به طور نسبه فروخته‌اند، انجام شود. این معامله ممکن است به منظور رفع نیاز و ضرورت یا به علت اینکه یک عملکرد مقبول در معامله بازرگانی است، مورد استفاده قرار گیرد.



دکتر رفیق یونس
المصری می‌گوید:

پژوهندگان اسلامی در مواردی با وجود تأیید و تصدیق تورق، توجیه مشروعی درباره مشروعیت و مجاز بودن آن ارائه نکرده اند. از این رو به اعتقاد وی ضوابط امر تورق شرایط زیر مربوط می‌شود:

۱- اگر همه افراد سه گانه (سپرده گذار، تاجر اول و تاجر دوم) علم و اطلاع داشته باشند که مشتری اقدام کننده به معامله تورق با قصد به دست آوردن نقدینگی چنین عملی را انجام داده است، جملگی بدون استثنا گناهکار هستند.

۲- اگر دو طرف از آن سه طرف مذکور بدانند، فروشنده در اقدام به معامله قصد کسب نقدینگی را دارد؛ هر دو طرف مورد بحث گناهکار خواهند بود و اگر آنان قصد و نیت واقعی فروشنده را ندانند، در این صورت گناهی مرتکب نشده اند.

۳- مجاز بودن معامله تورق برای اشخاصی که در نتیجه اضطرار مبادرت به انعقاد قرارداد می‌کنند.

مجمع فقه اسلامی در پانزدهمین اجلاس خود، عمل به تورق را مجاز دانسته است. قطعنامه متضمن جواز تورق مستند بر این موضوع است که طرفین بدون توافق قبلی به آن معامله ملحق شده اند. باین وجود این مجمع، در هفدهمین اجلاس خود قطعنامه قبلی را در راستای منع تورق تلقی کرده است. از طرفی آخرین قطعنامه، چنین تعبیری به دست داده است که تورق با عناوین (التورق المنظم) یا (التورق المصرفی) مورد عمل و قبول در مؤسسات مالی، قابل اجرا و عمل است.

توجیه و استدلال ناظر بر غیر مجاز بودن چنین تورقی به این ترتیب

در بانکداری مالزی از طریق به‌کارگیری بیع تورق امکان تأمین منابع مالی متقاضیان ، فراهم می‌شود

است که شکل عمل در چنین بیعی مشابه بیع عینه است که در نتیجه آن مؤسسات مالی به عنوان نماینده مشتری عمل می‌کنند، یعنی از طرف کسی که نیازمند نقدینگی است، می‌فروشد و آنچه فروخته می‌شود، کالایی است که ابتدا از ابتدا آن را از همان مؤسسه خریداری کرده و به شخص ثالثی می‌فروشد. این عمل شباهتی به طرز عمل بیع عینه دارد که ماهیت واقعی و حقیقی تورق از آن حکایت می‌کند و در این صورت فقهای متقدم اهل سنت آن را تأیید کرده‌اند.

شورای عالی شریعت ABC بانک اسلامی هم بیع تورق را برای تبدیل و تحصیل نقدینگی تأیید کرده است. بعضی از پژوهشگران معاصر نظیر شیخ عبدالله، سلیمان المغنی، دکتر موسی‌آدم عیسی، دکتر عسامه بحر و دکتر سلیمان ناصر العلوان هم عمل به «تورق منظم» را تأیید کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به ادبیات ذکر شده، تردیدی نیست که به رغم اینکه دست‌اندرکاران نظام بانکداری اسلامی مالزی با به‌کارگیری بیع تورق در پی استفاده از جواز شرعی این عمل به منظور اجتناب از معاملات ربوی بوده‌اند، لیکن پرواضح است آنچه که بانک به عنوان سپرده‌گیر و متقاضی تأمین مالی به عنوان نیازمند به نقدینگی به دست می‌آورد، به حکم عقل و گواهی وجدان چیزی جز نقدینگی نبوده است. بنابراین آنچه که در شرع مقدس اسلام بر آن تأکید شده است، نیت و نتایج اعمال است، نه شکل اعمال. به عبارتی دیگر، نباید قاعده اعمال بالنیات و قاعده العقود تابعه للقصود را نادیده انگاریم.

از این رو نگارندگان اعتقاد دارند عملیاتی کردن بیع تورق در سیستم بانکداری اسلامی ایران مستلزم بررسی جامع فقهی و حقوقی از طریق فقها و حقوقدانان محترم است. ضمن اینکه بانکداری اسلامی بدون ربای مصوب ۱۳۶۲ جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر قواعد محکم و منطقی فقه پویای شیعه است، بهترین الگوی بانکداری اسلامی در نوع خود در عصر حاضر محسوب می‌شود.

تردید نیست به کار بستن صحیح این عقود، موجبات تعالی و موفقیت بانکداری اسلامی را در عرصه‌های بانکداری داخلی و بین‌المللی در پی خواهد داشت.

به عبارتی، چنانچه بانک‌ها بتوانند ضمن تفهیم رابطه حقوقی و شرعی خود با مشتریان مطابق قانون عملیات بانکداری بدون ربا، نقش خود را به عنوان وکیل در راستای به‌کارگیری منابع تجهیز شده در بخش‌های مختلف اقتصادی (دولتی، تعاونی و خصوصی مطابق با اصل ۴۴ قانون اساسی) به طور کامل ایفاء کنند؛ به طوری که امکان محاسبه سود واقعی میسر شود و در نهایت بانک‌ها پس از کسر حق‌الوکاله خود باقی‌سود را به سپرده‌گذاران مسترد دارند؛ به یقین در مبتنی بودن چنین فرآیندی با واقعیت‌های اقتصادی و تجویز شرعی آن نباید اندک تردیدی روا داشت. و این مهم زمانی محقق می‌شود که متولیان و مجریان بانکداری اسلامی در ایران، نیروهای زبده و ماهر، آگاه به اصول اقتصادی و مسائل شرعی و دینی مرتبط با بانکداری و مالیه اسلامی را به کار گیرند.

منابع

- ۱- بانکداری اسلامی، نشریه‌های جهان، جلد سوم شماره ۱۹ صص ۷۴-۷۵.
- ۲- همان منبع
- ۳- بانکی تقی. - حسین مهدی. آشنایی با بانک اسلامی مالزی پیرامون واگذاری شرکت‌های دولتی جلد ۳ شماره ۳ صص ۲۸ و ۲۹
- ۴- ر، ک منبع ۱ صص ۷۴
- ۵- رک - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مسبوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۲، گنج دانش، ۱۳۷۸ صص ۹۶۲
- 6-Bank Negara Malaysia / Shariah Resolutions in Islamic Finance / Bank Negaramalaysia / Malaysia /Kualalumpur March ۲۰۰۷p. ۶۲. www. bnm . gov . my
- ۷- اجرای قوانین بانکداری اسلامی در مالزی، تازه‌های اقتصاد، شماره ۳۱ صص ۶۶-۶۵
- ۸- قرآن مجید سوره مبارکه بقره آیه ۲۷۵
- ۹- رجوع کنید به منبع ۵ صص ۱۰۱۲
- ۱۰- رجوع کنید به منبع ۵ صص ۱۰۰۲
- ۱۱- رجوع کنید به منبع ۶ صص ۲۳
- ۱۲- رجوع کنید به منبع فوق صص ۶۲ الی ۶۵